



سرآغاز

سعادت و نیک بختی سوق دهند. این تلاش‌ها که در جهت تحقق بخشیدن به مقاصد الهی و اهداف آسمانی ادیان توحیدی و پیامبران و فرستادگان از سوی خداوند متعال انجام می‌گیرد، به منظور فراهم نمودن زمینه‌های عبودیت و قرب الهی برای عموم انسانهای سعادت طلب و حقیقت خواه می‌باشد.

در این نوشتار به مناسبت میلاد حضرت جعفر صادق علیه السلام و ضرورت رفع مشکلات مادی شهروندان به بررسی برخی از اندیشه‌های اقتصادی امام صادق علیه السلام در عرصه جامعه

یکی از بارزترین امتیازهای جوامع ایده آل، داشتن اقتصادی سالم، پویا و وجود مجریان فعال، متعهد و کاردان در عرصه‌های اقتصادی است. پیامبران الهی نیز برای ایجاد قسط و عدالت در سطح وسیع آن در میان اقشار مختلف جامعه و تأمین نیازهای مادی مردم و آبادانی و آسایش آنان به وسیله توزیع عادلانه امکانات، سرمایه‌ها، ایجاد زمینه‌های مناسب، اطلاع رسانی همگانی و بالاخره ترویج احسان، نیکوکاری و خدمت رسانی کوشیده‌اند تا مردم را به سوی

اسلامی می‌پردازیم.

ارزش کارهای اقتصادی

آن حضرت کار و تلاش در راه تأمین نیازهای ضروری زندگی را همسان با جهاد در راه خدا قلمداد می‌کرد و می‌فرمود: «الْكُفَاةُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱ آن که برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش کند، همانند رزمنده در راه خدا است.»

از منظر پیشوای ششم علیه السلام افراد سست عنصر و بی‌کار و بی‌تفاوت، مورد خشم و غضب الهی هستند؛ چنان که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَكَثْرَةَ الْقَرَاغِ»^۲ خداوند متعال زیادی خواب و بی‌کار بودن را دشمن می‌دارد.»

علاء بن کامل یکی از یاران آن حضرت روزی به محضرش شتافت و التماس دعا گفت، و اضافه نمود که: ای پسر پیامبر صلی الله علیه و آله! از خداوند متعال بخواه که زندگی راحت و مرفهی داشته باشم! امام صادق علیه السلام پاسخ داد: «لا أَدْعُوكَ، أُطَلِّبُ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»^۳ من برایت دعا نمی‌کنم، تو [زندگی مرفه و راحت را] از همان راهی بخواه که

خداوند متعال به تو فرمان داده است

[یعنی از راه تلاش و کوشش].»

بهبود بخشیدن به وضع زندگی و تدارک برخی از برنامه‌های اقتصادی در جامعه نه تنها نقص و عیبی برای یک انسان مسلمان به حساب نمی‌آید، بلکه ناشی از قوت ایمان و اراده استوار او در راه رسیدن به اهداف والای معنوی است. رئیس مذهب

جعفری علیه السلام بر این اندیشه پای می‌فشرد که: «يَتَّبِعِي لِمَنْسَلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا يُرَى ظَاهِرًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرْمَةٌ لِمَعَاشٍ أَوْ تَزْوُودٍ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ ذَاتٍ مُحَرَّمٍ»^۴ کوچیدن برای یک مسلمان عاقل شایسته نیست مگر در سه مورد: بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی (سفرهای تجارتي و...)، کسب توشه آخرت (سفرهای زیارتی)، رسیدن به لذتهای حلال (سفرهای تفریحی).»^۴

امام صادق علیه السلام افزون بر ترغیب بسندگان صالح به سوی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۶

۲. الکافی، ج ۵، ص ۸۴

۳. همان، ص ۷۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۳

راحت‌تر خواهد بود.»

پیشوای ششم از افرادی که در ظاهر زهد فروشی کرده، مردم مسلمان را به بهانه تقوا و ترک دنیا از فعالیت‌های اقتصادی منع می‌کردند انتقاد می‌نمود و شیوه غلط آنان را تخطئه می‌کرد. سفیان ثوری از عالمان زهد فروش و ظاهر سازی بود که علاوه بر مردم عادی، امام صادق علیه السلام را نیز از مظاهر دنیوی منع کرد. او زمانی مشاهده کرد که امام صادق علیه السلام لباس نو و مناسبی پوشیده است، به امام علیه السلام گفت: تو نباید خود را به زیورهای دنیا آلوده سازی! برای تو زهد و تقوا و دوری از دنیا و مظاهر آن شایسته است. امام صادق علیه السلام با پاسخهای منطقی خویش وی را به اشتباهات خود واقف ساخت و از تفکرات صوفی مآبانه و انحرافی وی به شدت انتقاد نمود و فرمود: «می‌خواهم به تو سخنی بگویم، خوب توجه کن، سخن من به دنیا و آخرت مفید خواهد بود. ای سفیان! رسول گرامی اسلام در زمانی زندگی می‌کرد

بهبود بخشیدن به وضع زندگی و تدارک برخی از برنامه‌های اقتصادی در جامعه نه تنها نقص و عیبی برای یک انسان مسلمان به حساب نمی‌آید، بلکه ناشی از قوت ایمان و اراده استوار او در راه رسیدن به اهداف والای معنوی است.

فعالیت‌های اقتصادی، خود نیز به غلامش، مصادف، چنین دستور می‌داد: «اتَّخِذْ عُقْدَةً أَوْ صَيْعَةً فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَزَلَّتْ بِهِ النَّازِلَةُ أَوْ الْمَصِيبَةُ فَذَكَرَ أَنَّ تَوْرَةَ ظَهَرِهِ مَا يَقِيمُ عِيَالَهُ كَانَ أَنَسْخِي لِنَفْسِهِ»^۱ مکانی پر درخت و یا ملک ثابت و غیر منقولی به دست آور! چرا که هر گاه برای شخصی حادثه‌ای یا مصیبتی رخ نماید و احساس کند که برای تأمین خانواده خود پشتوانه‌ای دارد، روح [و جان]ش

۱. الکافی، ج ۵، ص ۹۲.

که عموم مردم از نظر اقتصادی در مضیقه بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله خود را با آنان در زندگی ساده و فقیرانه هماهنگ می‌کرد، اما اگر روزگاری وضع معیشتی مردم بهتر شد اهل ایمان و نیکان و خوبان روزگار به بهره‌گیری از آن سزاوارترند نه انسانهای فاجر و منافق و کافر. ای ثوری! به خدا سوگند! در عین حالی که وضع معیشتی خوبی دارم و از نعمتها و موهبتهای خداوند متعال کمال بهره را می‌برم، اما از روزی که خود را شناخته‌ام شب و روزی بر من نمی‌گذرد مگر آنکه حقوق مالی خود را بر طبق فرمان خداوند متعال که بر من واجب کرده است، ادا می‌کنم و به مصرف مناسب می‌رسانم»^۱

رعایت اصول

یک فرد دور اندیش در طول زندگی خود تلاش می‌کند که با بهره‌گیری از اصول کاربردی اقتصادی بر رفاه و آسایش خود و خانواده‌اش بیفزاید و زندگی آرام و راحتی را برای پیمودن راه سعادت داشته باشد. امام صادق علیه السلام برخی از این اصول را چنین مطرح می‌کند:

الف) بهره‌گیری از تجربه

بدون تردید تجربه کاری هر انسانی، او را در برنامه ریزیهای آینده‌اش مدد می‌کند و هر قدر تجربه‌های زندگی بیشتر باشد و انسان آنها را در زندگی اش به کار گیرد، مسلم است که توفیقات بیشتری در این زمینه خواهد داشت. امیر مؤمنان فرمود:

«الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ»^۲ از نشانه‌های خرد، نگه داری تجربه‌هاست.» و در این زمینه مسعود سعد زیبا گفته:

ای مبتدی، تو تجربه، آموزگار گیر

زیرا که به، ز تجربه، آموزگار نیست
 امام صادق علیه السلام در این زمینه رهنمود راهگشایی را به رهروان حقیقت طلب ارائه می‌دهد و تأکید می‌کند که «الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ، خَفِيفُ الْمَوْوَنَةِ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ، لَا يَلْسَعُ مِنْ حُجْرٍ مَرَّتَيْنِ»^۳ مؤمن در یاری کردن زیباست (به زیباترین صورت دیگران را یاری می‌کند)، کم تکلف است (برای دیگران تکلف‌ساز نیست) و

۱. همان، ج ۵، کتاب المعیشه، ح ۱.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۳.

هر کس فرصتی را به دست آورد و با این حال منتظر فرصت بهتری باشد، روزگار آن فرصت به دست آمده را از دستش خواهد گرفت

آینده‌ای است که آرزوی رسیدن به آن را دارند.»

پیشوای ششم علیه السلام در سخن دیگری ضرورت بهره‌گیری از فرصتها را یادآور شده، می‌فرماید: «هر کس فرصتی را به دست آورد و با این حال منتظر فرصت بهتری باشد، روزگار آن فرصت به دست آمده را از دستش خواهد گرفت؛ زیرا عادت روزگار سلب فرصتها و رسم زمانه از بین بردن موقعیتهاست.»^۲

ج) تلاش و کوشش

از مهم‌ترین رموز توفیق در

زندگی اش را خوب اداره می‌کند و از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود (تجربه بار اول برایش کافی است).»

ب) استفاده از فرصتها

در زندگی گاهی فرصتهایی به دست می‌آید که شخص می‌تواند از آن فرصت به نحو شایسته‌ای برای بهبودی دین و دنیای خویش بهره‌گیرد. تیزبینی و آینده‌نگری افراد موجب می‌شود که این فرصتهای طلایی عاملی برای ارتقای جایگاه معنوی و اجتماعی آنان گردد. بدون شک از دست دادن چنین فرصتهایی موجب غم و اندوه و پشیمانی خواهد بود.

سعیدیا، دی رفت و فردا همچنان موجود نیست در میان این و آن فرصت شمار امروز را امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمود: «الْأَيَّامُ ثَلَاثَةٌ: قَتِيومٌ مَضَى لَهَا يَذُرُّ كَوَيْومِ النَّاسِ فِيهِ قَتِيْبَعِي أَنْ يَغْتَنِبُوهُ وَ غَدًا أَيْتَمًا فِي آيَدِ بِيْهِمْ أَمْسَلُهُ؛ روزها سه گونه‌اند: یا روزی است که گذشته و دیگر به دست نمی‌آید و یاروزی است که مردم در آن به سر می‌برند و شایسته است که آن را غنیمت شمارند و یا

۱. تحف العقول، ص ۳۲۲.

۲. همان، ص ۳۸۱.

زندگی، تلاش دائم و پایداری در راه هدف می‌باشد. تحرک و پویایی که از اعتقاد راسخ انسان به مقاصد خویش سرچشمه می‌گیرد، در راه رسیدن به مراد ضروری‌ترین عامل به شمار می‌آید. انسان مسلمان برای رسیدن به سعادت اخروی باید در امور دنیوی خویش نیز تلاش کند و آن را به عنوان وسیله و پلی برای وصال به مطلوب بنگرد.

علی بن عبدالعزیز می‌گوید: امام صادق علیه السلام روزی از من احوال عمر بن مسلم را پرسید. عرضه داشتم: فدایت شوم او از تجارت دست برداشته و به عبادت و نماز و دعا روی آورده است. امام فرمود: «وای بر او! آیا او نمی‌داند که هر کس به دنبال دنیا و کسب روزی حلال نرود، دعایش مستجاب نخواهد شد.» سپس امام افزود: «هنگامی که آیه **«مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»**^۱ «هر کس تقوای الهی پیشه کند (خداوند) راه خروج از مشکلات را برایش قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌برد روزی اش می‌دهد.» نازل شد، تنی چند از

اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از کسب و کار دست کشیده و درها را به روی خود بسته، مشغول عبادت شدند تا خداوند متعال روزی آنان را از طریق عبادت برساند. هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خبردار شد، آنان را احضار نمود و فرمود: شما به چه انگیزه‌ای از کسب و کار دست کشیده و از جامعه فاصله گرفته و به عبادت پرداخته‌اید؟! گفتند: یا رسول الله! خداوند روزی ما را تکفل کرده و ما هم به عبادت او روی آورده‌ایم! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **«أَنَّ مَنْ قَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ، عَلَيْكُمْ بِالطَّلَبِ؛** هر کس چنین کند دعای او پذیرفته نخواهد شد، بر شما باد به کسب [روزی و درآمد].»^۲

حضرت امام صادق علیه السلام در سخن دیگری توضیح می‌دهد که برخی از افراد دعایشان هیچ‌گاه به اجابت نخواهد رسید، و از جمله فرمود: **«رَجُلٌ جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَيْلًا لَهُ لَمْ أَمْرُكَ بِالطَّلَبِ؛**^۳ مردی در خانه‌اش

۱. طلاق/ ۳ و ۲.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۲۳.

۳. اصول کافی، باب من لا تستجاب دعوته.

نشسته و مدام می‌گوید: خدایا! به من روزی عطا کن! به او گفته می‌شود: آیا تو را فرمان ندادم به طلب [روزی].»

در هر صورت، برای رسیدن به مقصود باید تلاش نمود و در راه آن مشکلات و سختیها را تحمل کرد تا اینکه از دیگران بی‌نیاز شده، به استقلال اقتصادی برسیم. عطار نیشابوری می‌گوید:

به یکباری نباید کارها راست

به باید کرد ره را بارها راست

به یک ضربت نخیزد گوهر از سنگ

به یک دفعت نریزد شکر از تنک

نگردد پخته هر دیگی به یک سوز

نیايد پختگی میوه به یک روز

(د) اعتدال

خواهی اگر که حفظ کنی آبروی خویش
بردار لقمه لیک به قدر گلوی خویش
رعایت اعتدال و میانه روی در
مخارج و درآمدهای زندگی موجب
آسایش و رفاه خواهد بود. اسراف و
تبذیر، سخت‌گیری و تنگ نظری و
بخل و طمع ورزی موجب اختلال در
نظم زندگی می‌شود و چه بسا جایگاه
اجتماعی فرد را متزلزل نموده و گاهی

آبرو و شخصیت او را از بین می‌برد. معمولاً افرادی که ولخرجی می‌کنند، دچار تنگدستی و فقر می‌شوند و سپس از گسردش ناملایم روزگار شکایت کرده، از شانس بد خود گلایه می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى»^۱ اسراف موجب فقر و میانه روی سبب توانایی می‌شود.» و سعدی گفته است:

چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن

که می‌گویند ملاحان سرودی

اگر باران به کوهستان نبارد

به سالی دجله گردد خشک‌رودی

عبدالله بن سنان می‌گوید: امام

صادق علیه السلام هنگامی که آیه «وَلَا تَجْعَلْ

يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ»^۲ را تفسیر

می‌کرد، انگشتان دست خود را کاملاً

بسته و دست خود را مشت نمود و به ما

فرمود: «یعنی این چنین نکنید که این

نهایت خست و بخل است» و در معنی

حدیث ۲.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۴.

۲. اسراء / ۲۹.

می‌اندیشد. بدین جهت، مشاغل رایج در هر اجتماعی را در قالب شغل‌های حلال و حرام دسته‌بندی کرده، به مسلمانان ارائه می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در یک تقسیم‌بندی کلی تمام شغل‌های موجود در جامعه به چهار نوع تقسیم می‌شود: ۱. تجارت و معاملات؛ ۲. صناعات و حرفه‌ها؛ ۳. کارگزاران حکومتی و کارمندان؛ ۴. اجارات (درآمد املاک و کارگران روز مزد)».

سپس امام علیه السلام این چهار نوع شغل را به دو دسته حلال و حرام تقسیم کرده و می‌فرماید:

«خداوند متعال واجب کرده است که بندگان در موارد حلال اقدام کنند و از مشاغل حرام دوری گزینند.» در اینجا به چکیده سخنان امام صادق علیه السلام در مورد ملاک تعیین مشاغل حلال و حرام بسنده می‌کنیم:

معیار حلیت و حرمت در تجارت این است که هر کالایی که برای عموم مردم نیاز است و مصلحت و نفع

آیه «وَلَا تَبْسُطُوهَا كُلَّ الْبَسْطِ»^۱ دست خود را کاملاً باز کرد و فرمود: «این چنین هم درست نیست؛ یعنی انسان هر چه دارد خرجش کند و چیزی در کف دستش نماند.»^۲

در نتیجه، این آیه شریفه افراط و تفریط در مصرف مال دنیا را نفی کرده، به اعتدال سفارش می‌کند.

تقسیم‌بندی مشاغل

فردی که در جامعه اسلامی دنبال شغلی می‌رود و یکی از کارهای درآمدزای اقتصادی را انتخاب می‌کند، لازم است قبل از ورود به میدان‌های کار، چگونگی آن را بررسی نماید و نظر اسلام و رهبران معصوم علیهم السلام را در مورد آن شغل مد نظر داشته باشد تا اینکه در آینده دچار تشویش خاطر و ناراحتی درونی نگردد؛ چراکه از منظر اسلام قبل از آنکه درآمد و جایگاه اقتصادی هر شغلی مد نظر باشد، مسائل معنوی، فرهنگی و سیاسی آن مورد توجه است و فرهنگ مبین اسلام قبل از آنکه به بهره‌های فردی هر شغلی بنگرد، به مصلحت جامعه مسلمین و کشورهای اسلامی

۱. اسراء / ۲۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۶۶.

فحشاء باشند، وسایلی که موجب تضعیف و یا تخریب اعتقادات مسلمانان شوند، همکاری با ستمگران، سرقت و ... از قبیل صنایع و حرفه‌های حرام می‌باشند.

اگر کارگزاران و کارمندان حکومتی تحت نظر حاکم عادل و امامان معصوم علیهم‌السلام و وکلای آنان انجام وظیفه کنند، درآمد و حقوقشان حلال است و گرنه حرام می‌باشد؛ مگر اینکه کارمندان زمامدار غیر عادل، با اجازه از حاکم شرع و یا اینکه به خاطر مصالح مسلمانان وارد دستگاه حکومتی شده باشند.

در مورد اجاره‌ها و درآمد املاک و کارگران نیز قضیه همین است؛ یعنی اولاً، صلاح و فساد جامعه مدنظر می‌باشد و ثانیاً، کالاها و انگیزه‌های حلال و حرام سرنوشت ساز است.^۱

مشاغل برتر از نظر امام ششم علیه‌السلام
حضرت صادق علیه‌السلام پیروان خود را همواره به انتخاب کسبهای حلال و

۱. تفصیل فرمایشات آن حضرت را می‌توان در کتاب *وسائل الشیعه*، ج ۱۷، ص ۸۳ و تحف العقول ص ۳۳۱، ۳۳۸ مطالعه کرد.

جامعه در خرید و فروش آن می‌باشد، تجارت آن حلال است و هر معامله‌ای که موجب فساد در جامعه و به ضرر جامعه اسلامی است، حرام می‌باشد، همانند: معاملات ربوی، خرید و فروش و انبار کردن کالاهایی که از منظر اسلام مشروع نیستند (گوشت غیر مذکّی، گوشت خوک، گوشت و پوست حیوانات درنده، شراب، آلات قمار، آلات لهو و لعب و ...)، فروختن سلاح به دشمنان اسلام، و هر معامله‌ای که موجب تقویت جبهه باطل باشد (مانند: جاسوسی و فروش اطلاعات به دشمن)، و معاملاتی که همراه با فریب کاری و دروغ‌پردازی انجام شود.

در صناعات و حرفه‌ها نیز معیار مصلحت جامعه اسلامی است؛ یعنی هر صنعت و حرفه‌ای که موجب تقویت جامعه اسلامی می‌باشد و صلاح، رشد و تعالی مسلمانان را به ارمغان می‌آورد، از منظر امام صادق علیه‌السلام مجاز است و هر حرفه‌ای که موجب مفسده و تضعیف جامعه باشد، ممنوع است. شراب‌سازی، جادوگری، صنایعی که موجب ترویج فساد و

مورد نیاز جامعه توصیه می‌نمود؛ اما در میان آنها برخی از مشاغل را بیشتر می‌پسندید که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

باغداری و کشاورزی

ششمین ستاره آسمان ولایت در تفسیر آیه **﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾**^۱ فرمود: «بارزترین مصداق انسانهای متوکل دهقانان و کشاورزان هستند.»^۲

ابن هارون واسطی می‌گوید: روزی از امام صادق علیه السلام در مورد دهقانان و زارعین پرسیدم. امام فرمود: «برزگران گنجینه الهی در روی زمین هستند.» سپس اضافه کرد: **﴿وَمَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ الزَّرَاعَةِ وَ مَا بَعَثَ نَبِيًّا إِلَّا زَرَعًا إِلَّا أَدْرَسَ فَإِنَّهُ كَانَ خِيَاطًا﴾**^۳ از میان کارها چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر اینکه کشاورز بود، به جز ادریس که خیاط بود.»

امام صادق علیه السلام نه تنها مسلمانان را به کشاورزی و درختکاری ترغیب می‌کرد، بلکه خود نیز عملاً به این کار

اقدام می‌نمود.

ابو عمرو شیبانی می‌گوید: روزی امام صادق علیه السلام را مشاهده کردم که در یکی از باغهای خود لباس کار پوشیده و بیل به دست گرفته و مشغول فعالیت است. آن حضرت چنان با جان و دل کار می‌کرد که بدن مبارکش خیس عرق بود. پیش رفتم و عرضه داشتم: جانم به فدایت، اجازه بفرمایید من به جای شما بیل بزنم و این کار سخت را انجام دهم. امام از پذیرش پیشنهاد من امتناع کرده و فرمود: **﴿أَتَى أَحَبُّ أَنْ يَتَأَدَّى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ﴾**^۴ دوست دارم انسان برای به دست آوردن درآمد حلال در مقابل آفتاب آزرده شود.»

آری، بهترین و پاکیزه‌ترین درآمدهای انسان، زمانی است که با عرق جبین و کدّ یمین به دست آمده باشد و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اولین شخص عالم امکان، دست چنین فردی را می‌بوسید و می‌فرمود: **﴿هُلْوَ يَدُنَا﴾**

۱. ابراهیم/۱۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲.

۳. همان.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۹.

نیازمندان فامیل تقسیم می نمود. امام در ادامه فرمود: خداوند در مورد تاجران خداجو و با تقوا می فرماید: «رَجَالَ لَا تُسَلِّهِمْ تِجَارَةً وَلَا يَنْفَعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»؛^۳ «مردانی که داد و ستد و معامله، آنان را از یاد خدا غافل نمی کند.»^۴

منشور حیاتبخش امام صادق علیه السلام

به پیشه وران

در سیره اقتصادی امام ششم علیه السلام، بازرگانان امین و راستگو جایگاه والایی دارند. عبدالرحمن بن سیابه می گوید: هنگامی که پدرم از دنیا رفت، یکی از دوستان پدرم به منزل ما آمد و بعد از تسلیت گفت: آیا از پدرت ارثی باقی مانده است تا بتوانی به وسیله آن امرار معاش کنی؟ گفتم: نه. او کیسه ای که محتوی هزار درهم بود، به من تحویل داد و گفت: این سرمایه را خوب حفظ کن و از سود آن زندگی خود را اداره کن! من با خوشحالی پیش

تَمَسُّهَا النَّارُ؛^۱ این دستی است که آتش جهنم به آن نخواهد رسید.»

بازرگانی و تجارت

از دیگر مشاغلی که امام صادق علیه السلام به آن تأکید می کند، تجارت و معاملات حلال می باشد. آن جناب بر این باور بود که تجارت علاوه بر بهره های سرشار اقتصادی که دارد، موجب زیادی عقل و افزایش قدرت اندیشه و تفکر و تدبیر و تجربه نیز هست. بدین جهت می فرمود: «التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ»؛^۲ داد و ستد موجب افزایش نیروی عقلانی است.»

اسباط بن سالم گفته است: روزی به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، آن حضرت پرسید: عمر بن مسلم چه می کند؟ گفتم: حالش خوب است، اما دیگر تجارت نمی کند. امام علیه السلام فرمود: ترک تجارت کار شیطانی است - این جمله را سه بار تکرار کرد - آنگاه حضرت ادامه داد: رسول خدا صلی الله علیه و آله با کاروانی که از شام می آمد معامله می کرد و با بخشی از درآمد آن معامله قرضهای خود را ادا می کرد و بخشی دیگر را در میان

۱. اسدالغابه، ج ۲، ص ۱۶۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۷.

۳. نور، ۳۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۴ و ۱۵.

موقع جوان بودم، در انتهای جمعیت ایستادم. مردم نزدیک رفته و بعد از زیارت آن حضرت، پاسخ پرسشهایشان را نیز دریافت می‌کردند. هنگامی که مجلس خلوت شد، امام به من اشاره کرد و من نزدیک رفتم. فرمود: آیا با من کاری داری؟ عرض کردم: قربانت گردم من عبدالرحمن بن سیابه هستم. به من فرمود: پدرت چه کار می‌کند؟ گفتم: او از دنیا رفت. حضرت ناراحت شد و به من تسلیت گفت و به پدرم رحمت فرستاد. آن گاه از من پرسید: آیا از مال دنیا برای تو چیزی به ارث گذاشت؟ گفتم: نه. فرمود: پس چگونه به مکه مشرف شدی؟ من نیز داستان آن مرد نیکوکار و تجارت خود را برای آن بزرگوار شرح دادم.

هنوز سخن من تمام نشده بود که امام پرسید: هزار درهم امانتی آن مرد را چه کردی؟ گفتم: یابن رسول الله! آن را قبل از سفر به صاحبش برگرداندم. امام با خوشحالی گفت: أحسنت! سپس فرمود: آیا سفارشی به تو بکنم؟ گفتم: جانم به فدایت! البته که راهنمایم کنید!

مادرم دویدم و این خبر را به وی رساندم. هنگام شب پیش یکی دیگر از دوستان پدرم رفتم و او زمینه تجارت را برایم فراهم کرد. به این ترتیب که با یاری او مقداری پارچه تهیه کرده، در مغازه‌ای به تجارت پرداختم. به فضل الهی کار معامله رونق گرفت و من در اندک زمانی مستطیع شدم و آماده اعزام به سفر حج گردیدم.

قبل از عزیمت پیش مادرم رفتم و قصد خود را با او در میان گذاشتم. مادر به من سفارش کرد که پسر! قرضهای فلانی را (دوست پدرم) اول بپرداز، بعد به سفر برو! من نیز چنین کردم. با پرداخت وجه، صاحب پول چنان خوشحال شد که گویا من آن پولها را از جیب خودم به وی بخشیدم و به من گفت: چرا این وجوه را پس می‌دهی، شاید کم بوده؟ گفتم: نه، بلکه چون می‌خواهم به سفر حج بروم، دوست ندارم پول کسی نزدم باشد.

عازم مکه شدم و بعد از انجام اعمال حج در مدینه به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم. آن روز خانه امام علیه السلام خیلی شلوغ بود. من که در آن

رفت. عرض کردم: فدایت شوم، من آن را به قیمت خوبی می فروشم و زمین بزرگ تری را می خرم. امام علیه السلام فرمود: در این صورت اشکالی ندارد.^۲

آن حضرت می فرمود: از نزدیک ترین یاران پیامبر صلی الله علیه و آله که شما آنها را به فضل و زهد و تقوا می شناسید، سلمان و ابوذر هستند. شیوه سلمان چنین بود که هرگاه سهمیه سالانه اش را از بیت المال دریافت می کرد، مخارج یک سالش را ذخیره می نمود تا زمانی که در سال آینده نوبت سهمیه اش برسد. به او اعتراض کردند که تو با این همه زهد و تقوا در فکر ذخیره آینده ات هستی! شاید امروز و فردا مرگ تو برسد! سلمان در جواب می فرمود: شما چرا به مردن فکر می کنید و به باقی ماندن نمی اندیشید؟ ای انسانهای جاهل! شما از این نکته غفلت می کنید که نفس انسان اگر به مقدار کافی وسیله زندگی نداشته باشد، در اطاعت حق کندی و

امام فرمود: «عَلَيْكَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ تَشْرِكُ النَّاسَ فِي أَمْوَالِهِمْ هَكَذَا وَجَمَعَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ؛ بر تو باد راستگویی و امانت داری، که در این صورت شریک مال مردم خواهی شد. سپس امام انگشتان دستانش را در هم فرو برد و فرمود: این چنین.» عبدالرحمن بن سیابه می گوید: در اثر عمل به سفارش امام، آن چنان وضع مالی من خوب شد که در مدتی کوتاه سیصد هزار درهم زکات مالم را به اهلس پرداختم.^۱

پس انداز برای آینده

امام صادق علیه السلام همواره توصیه می کرد که هر شخصی باید برای آینده خود پس انداز داشته باشد تا اگر خدای ناکرده مشکلی برایش پیش آمد یا نیازی به پول پیدا کرد محتاج دیگران نباشد. یکی از یاران امام به نام «مسمع» می گوید: روزی با مولایم حضرت صادق علیه السلام مشورت کرده، عرض کردم: سرورم! من زمینی دارم که مشتری خوبی برایش آمده و به قیمت مناسب از من می خواهد. امام فرمود: ای اباستار! آیا می دانی که هر کس ملک خود را بفروشد مال او از بین خواهد

۱. الکافی، ج ۵، ص ۱۳۴؛ بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۳۸۴.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۹۲.

اسراف و تبذیر،
سخت‌گیری و تنگ نظری
و بخل و طمع ورزی موجب
اختلال در نظم زندگی
می‌شود و چه بسا جایگاه
اجتماعی فرد را متزلزل
نموده و گاهی آبرو و
شخصیت او را از بین
می‌برد.

دست آوردن مال را دوست نداشته
باشد، در او هیچ گونه خیری نیست.»
مهم‌ترین شرط فعالیت‌های
اقتصادی

از منظر اسلام فعالیت‌های اقتصادی
زمینه ساز کمالات و فضائل انسانی
است و اگر فردی با این انگیزه به
عرصه اقتصاد وارد شود، افزون بر
منافع مادی و ظاهری به بهره‌های
معنوی نیز نایل خواهد شد. عبدالله بن
ابی یعفر می‌گوید: در محضر امام
صادق علیه السلام بودم که مردی از وی پرسید:
به خدا قسم! ما به دنبال دنیا می‌رویم و
دوست داریم آن را به دست آوریم.
امام علیه السلام فرمود: تو می‌خواهی با
دنیاطلبی و کسب درآمد چه کنی؟ او
گفت: می‌خواهم نیازهایم را برطرف
کنم، به خانواده‌ام رسیدگی نمایم،
صدقه و احسان بدهم و حج و عمره
انجام دهم. امام صادق علیه السلام فرمود: اینکه
دنیاطلبی نیست؛ این به دنبال آخرت و
ثوابهای الهی رفتن است.^۳

کوتاهی می‌کند و نشاط و نیروی خود
را در راه حق از دست می‌دهد؛ ولی
همین قدر که به اندازه نیازش وسیله و
مال دنیا فراهم شد با اطمینان و آرامش
بیشتری به اطاعت حق می‌پردازد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تُحْبِرُ فِيمَنْ
لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَ
يَقْضِي بِهِ دِينَهُ وَيَصِلُ بِهِ رَحْمَتَهُ»^۲ کسی که از
راه حلال و به انگیزه حفظ آبرو و ادای
قرض و رسیدگی به خانواده و فامیل به

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۳۵.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۷۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴.

به مال دنیا و دنیاپرستان ظاهر بین را لعن می‌کند و می‌فرماید: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَبَدَ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ»^۲ مورد لعن خداست کسی که بندهٔ دینار و درهم باشد. و از سوی دیگر به دوستدارانش توصیه می‌کند: «لَا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ»^۳ طلب روزی از [راههای] حلال را هرگز رها نکن؛ چرا که مال حلال یاور تو در دینت خواهد بود.»

مولوی این مضامین را در قالب شعر بیان می‌کند:

چیسیت دنیا از خدا غافل بُدَن
نی قماش و نقره و فرزند و زن
مال را کز بهر دین باشی حمل
نغم فسال ضالِح خواندش رسول
آب در کشتی هلاک کشتی است
آب انسدر زیر کشتی پُشتی است
چونکه مال و مُلک را از دل براند
زان سلیمان خویش جز مسکین نخواند
گر چه جمله این جهان ملک وی است
مُلک در چشم دل اولاشی است

کسب درآمد و به دنبال منافع مادی رفتن انسان، باید با انگیزه‌های الهی باشد و آن را وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد الهی قرار دهد وگرنه دنیاطلبی امری زشت و ناپسند خواهد بود؛ چنان که برخی افراد به دنبال جمع ثروت و ذخایر دنیوی هستند، در حالی که هیچ انگیزه خیر و معنوی را مدنظر ندارند. گاهی این گونه افراد چنان حریص به جمع آوری مال دنیا هستند که حتی سلامتی خانواده و تمام هستی خود را در راه ثروت اندوزی از دست می‌دهند. امام صادق علیه السلام به چنین کسانی هشدار داده، می‌فرماید: «لَيْسَ فِيمَا أَضْلَحَ الْبَدَنَ اسْرَافًا، إِنَّمَا الْاسْرَافُ فِيمَا أَتَلَّفَ الْمَالَ وَأَصْرَرَ بِالْبَدَنِ»^۱ در آنچه که بدن را اصلاح می‌کند اسراف نیست؛ اسراف در جایی است که مال انسان از بین برود و به جانش نیز لطمه بخورد.»
از منظر امام صادق علیه السلام بین کسی که از دنیا به عنوان وسیله‌ای برای کسب آخرت بهره می‌گیرد و بین کسی که دنیا پرستی و جمع مال را پیشه خود نموده است، تفاوت واضح وجود دارد. به این جهت از سویی دلبستگان

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲. اصول کافی، باب الذنوب، حدیث ۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴.